

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی
گروه انقلاب و تمدن اسلامی

رساله دکتری رشته انقلاب و تمدن اسلامی

**«بررسی رویکردهای ناظر بر تأثیر عرفان و تصوف بر تمدن اسلامی
تا پایان عصر صفوی»**

استاد راهنما:

دکتر قاسم پورحسن

استادان مشاور:

دکتر فرهاد زیویار

دکتر هادی وکیلی

پژوهشگر:

صالح زارعی

مهر ۱۳۹۶

با سپاس فراوان از پدر و مادر گرانقدرم که هنوز توفیق خدمتگزاری آنان را
نیافته ام...

تقديم به :

ابوالحسن خرقانی...

چکیده:

پژوهش حاضر به طرح رویکردهای نظری می پردازد که به مطالعه درباره جریان تصوف و عرفان اسلامی پرداخته اند و درباره میزان و کیفیت اثر گذاری آن بر ساحات مختلف تمدن اسلامی مباحثی ارائه نموده اند. در رویکرد اول به یک سنت مطالعاتی توجه شده که در مغرب زمین شکل گرفت و جریان عرفانی را به مثابه امر اساسی و محوری در عالم اسلام تلقی می کند و معتقد است برای شناخت امر کانونی و جوهری تمدن اسلامی باید به مطالعه درباره آثار و تجلیات میراث عرفانی در پهنه عالم اسلامی پرداخت. در این رویکرد صوفیان و عرفای اسلامی نمایندگانی اصیل، در معرفی چهره درخشان عالم اسلامی تلقی می شوند. در رویکرد (دوم) منتقد و مخالف با اندیشه و جریان تصوف و عرفان در تاریخ ایران اسلامی، این جریان به عنوان نماینده و معرف اسلام اصیل تلقی نمی شود بلکه عقلانیت محض و خردورزی فلسفی می توانست راه را برای شکوفایی علوم عقلی و تداوم دوران درخشان تمدن اسلامی هموار نگاه دارد. جریان عرفانی به دلیل تقابل با جریان خردورز در عالم اسلامی و ارائه جهان بینی مبتنی بر امور رازورانه موجب شکل گیری هویتی مشوش و ناهمگون در ایران اسلامی شد و به این ترتیب مانعی جدی بر سر راه تداوم سنت عقلانی در ایران بوجود آورد. در رویکرد سوم به جریان عرفانی به مثابه جریانی اثرگذار بر ساحات مختلف اندیشگی، سیاسی و اجتماعی پرداخته شده است. از منظر این رویکرد، جریان عرفانی با جریان های عقلی پیوندی عمیق یافت و با ارائه معرفت شناسی جدیدی در عالم اسلامی، افقی عمیق تر در نسبت میان عقل و شهود ترسیم نمود. تأسیس نهاد خانقاه به مثابه مدارس علمی صوفیان و نیز محل دستگیری محرومان از عوامل مهم تاثیرگذار بر فرهنگ مسلمانان و جذب توده های مردمی به جریان صوفیانه است. این جریان در پیوند با جریان فتوت، توانست علاوه بر اثرگذاری بر نشر فضایل اخلاقی و روح جوانمردی در جوامع اسلامی در برخی دوره ها به نهضت هایی صوفیانه نیز دست یازد. جریان عرفانی در ایران با مذهب تشیع پیوند یافت و این پیوند در رویکرد چهارم مورد توجه قرار گرفته است. جریان عرفانی و جریان تشیع در ایران بر یکدیگر اثر گذاردند. جریان عرفانی از سده ششم رنگ شیعی خود را به نحو بارزی آشکار نمود و با قدرت یافتن نهاد خانقاه و نیز ارتقای جایگاه مشایخ صوفیه به عنوان راهنمای معنوی و حتی سیاسی، زمینه بروز نهضت های صوفیانه ای شد که در تقابل با حکومت های موجود شکل گرفت. نظام مند ترین این نهضتها یعنی نهضت صوفیان صفوی، منجر به تأسیس حکومت صفوی شد که از دستاوردهای آن می توان به شکل گیری دولتی مقتدر، ایجاد رونق اقتصادی، وحدت سرزمینی ایران و شکل گیری هویت جدید شیعی اشاره نمود که در شکل گیری ایران جدید تاثیری عمیق بر جای نهاد. تأسیس نظام فکری حکمت متعالیه در این دوران مبتنی بر جمع و تلفیق اندیشه های فلسفی، عرفانی و روایی و شکل گیری معرفت شناسی دینی متکاملی نسبت به دوران های پیشین، از رویدادهایی است که در زمینه و زمانه حکومت صوفیان صفوی به وقوع پیوست.

واژگان کلیدی: تصوف، عرفان، تمدن اسلامی، تشیع، صوفیه

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
فصل اول: کلیات	۳
۱. مساله پژوهش	۴
۲. موضوع پژوهش	۷
۳. قلمرو پژوهش	۷
۴. اهمیت و ضرورت پژوهش	۷
۵. اهداف پژوهش	۸
۶. کاربرد پژوهش	۹
۷. نوع پژوهش	۹
۸. سوالات و فرضیه‌های پژوهش	۹
۸-۱. سوال اصلی	۹
۸-۲. سوالات فرعی	۹
۸-۳. فرضیه اصلی	۹
۹. مفاهیم و تعاریف اصلی	۱۰
۹-۱. مفهوم شناسی تصوف و عرفان	۱۰
۹-۱-۱. تعاریف تصوف در منابع متقدم	۱۰
۹-۲. موضع علم عرفان	۱۳
۹-۳. پیوند مفهومی عرفان و تصوف	۱۳
۹-۴. اشتقاق لفظ صوفیه	۱۴
۱۰. تاریخچه جریان تصوف	۱۵
۱۰-۱. شکل گیری تصوف از زهد	۱۶
فصل دوم: روش‌شناسی پژوهش	۲۳
۱. مراد از بررسی تمدنی در رساله حاضر	۲۴
۲. مفهوم تمدن در نگاه تمدن پژوهان	۲۷
۲-۱. تمدن: تامین نیازها، معرفت و فضیلت	۲۸

۲۹	۲-۲. نحوه ظهور تمدن
۲۹	۳-۲. شرایط زمینه‌ای در پیدایی تمدن
۳۰	۴-۲. روح تمدن به مثابه جوهر تمدن
۳۱	۵-۲. ایده هدایت‌گر تمدن
۳۱	۶-۲. حوزه اعتبار و اثرگذاری تمدن
۳۲	۷-۲. نقش تمدن در ساختن فرهنگ
۳۳	۸-۲. نسبت امر متمدن بودن
۳۵	۹-۲. علل فروپاشی تمدن‌ها
۳۵	۳. ظهور اسلام و شکل‌گیری تمدن اسلامی
۳۷	۱-۳. اعصار درخشان تمدن اسلامی
۳۸	۲-۳. نقش عنصر ایرانی در تمدن اسلامی
۳۹	فصل سوم: پیشینه پژوهش
۴۲	فصل چهارم: یافته‌های پژوهش
۴۳	رویکرد اول: جریان تصوف و عرفان به مثابه جوهر تمدنی اسلام
۴۳	مقدمه
۴۴	۱. طرح تصوف به مثابه جوهر اسلام
۴۵	۲. ریشه تصوف در سرچشمه‌های اسلامی (قرآن و سنت نبوی)
۴۷	۱-۲. تطابق لایه‌های معرفتی دین (شریعت، طریقت، حقیقت) بر یکدیگر
۴۸	۳. دوری تصوف در مراحل اولیه از علوم مدرسی
۴۹	۴. پیوند جریان عرفانی با تاریخ اندیشه و حکمت معنوی اسلام
۵۱	۱-۴. تفاوت منظر کلام و عرفان در معرفت‌شناسی الهی
۵۱	۲-۴. نقش قوه خیال در تبیین مقوله حضور و قرب الهی
۵۲	۳-۴. شطحیات عرفا به مثابه متونی چندسطحه در کنار متون وحیانی
۵۴	۵. مسیر تصوف برای دستیابی به حقیقت دین
۵۴	۱-۵. حلاج به مثابه نماد اصیل تفکر اسلامی
۵۴	۲-۵. روانشناسی نفس (معرفت نفس) در نگاه عرفانی

۵۵	۳-۵. نیل به فنا و خود الاهی در معرفت‌شناسی اسلامی
۵۶	۶. ظرفیت و قابلیت نظریه وحدت وجود ابن عربی
۵۶	۶-۱. شهود وجود در بعد متعالی ضمیر انسانی
۵۷	۶-۲. عطف توجه به وجود در اندیشه عرفانی ابن عربی
۵۸	۶-۳. خیال به مثابه قوه شناخت و مکمل عقل از منظر ابن عربی
۵۸	۷. عنصر توحید به مثابه وجه تمایز بخش تمدن
۵۹	۸. انس با حق تعالی در فرهنگ و تمدن اسلامی
۶۰	۹. تکامل و بالندگی جریان عرفانی تا سده دهم
۶۱	۹-۱. نسبت تصوف و انحطاط اجتماعی
۶۱	۹-۲. تداوم فرهنگ و تمدن اسلامی طی سده‌های پس از ظهور پیامبر(ص)
۶۲	۱۰. نگاه پدیدارشناسانه در مطالعه میراث جریان عرفانی
۶۲	۱۰-۱. نقش پدیدارشناسی در فهم پرسشهای غایی مسائل انسانی
۶۳	۱۰-۲. پدیدارشناسی و تاریخ معنوی
۶۴	۱۰-۳. پدیدار به عنوان مظهر و مجلای باطن
۶۵	۱۰-۴. نسبت پدیدارشناسی و منظر تاریخ
۶۶	۱۱. نفوذ اجتماعی جریان صوفیانه
۶۸	رویکرد دوم: تصوف به مثابه عامل زوال دهنده تمدن اسلامی
۶۸	مقدمه
۶۹	۱. امتناع تأسیس اندیشه سیاسی مبتنی بر عرفان اسلامی
۷۰	۱-۱. گذار از تعقل به تصوف
۷۰	۱-۲. غزالی و افول خردگرایی در تمدن اسلامی
۷۱	۱-۳. یورش مغول و گسست اندیشه و عناصر سنت
۷۲	۱-۴. رسائل سیاسی عرفانی مبتنی بر اندیشه‌های غیرسیاسی
۷۳	۱-۴-۱. دریافت‌های عرفانی از اندیشه سیاسی
۷۳	۲. عرفان و تفکر اجتماعی
۷۴	۲-۱. غلبه درونگرایی بر برونگرایی اجتماعی

۲-۲. رازورانگی عالم در اندیشه عرفانی و نظام اداره جامعه	۷۴
۳. توقف عقل در سنت عرفانی	۷۵
۳-۱. ارزش عشق در مقابل خرد در سنت عرفانی	۷۶
۴. رواج برداشت صوفیانه و انحطاط جامعه ایرانی	۷۶
۵. ولایت باطنی و ولایت سیاسی	۷۷
۶. اندیشه عرفانی در نسبت با هویت ایرانی	۷۸
۶-۱. انحطاط فرهنگ ایرانی مبتنی بر اندیشه‌های صوفیانه	۷۸
۶-۲. جبراندیشی و حیرت افکنی در تصوف ایرانی	۷۹
۶-۳. نزاع قوای دقت و حیرت و شکل‌گیری هویت مشوش	۸۰
۷. تقابل عرفان با فرهنگ و عقل عربی	۸۰
۷-۱. غلبه عقل مستقیل (نامعقول)	۸۰
۸. نسبت «تصوف و عرفان» با شریعت	۸۲
۹. بی ثمر بودن تلاش برای امور مادی	۸۳
۱۰. اخلاق فنا در تصوف عامل فناء اخلاق	۸۳
۱۱. جریان‌های مهم در تقابل و تعارض با خردورزی	۸۴
رویکرد سوم: تصوف و عرفان به مثابه وجه درخشان تمدن اسلامی	۸۶
مقدمه	۸۶
۱. ویژگی‌های کلی تمدن اسلامی	۸۷
۱-۱. ملاک ارزش یک تمدن	۸۷
۱-۲. تمدن اسلامی و برآوردن نیازهای معنوی ایرانیان	۸۷
۱-۳. تصوف و عرفان به مثابه طریقی برای وصول به حق	۸۸
۱-۴. حمل حکم جزئی بر امر کلی درباره تصوف	۸۹
۱-۵. کارکرد اجتماعی عرفان	۹۰
۲. تصوف و ساحات مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی	۹۱
۳. نسبت جریان تصوف با فلسفه و حکمت اسلامی (عقلانیت اسلامی)	۹۲
۳-۱. گونه شناسی نسبت جریان تصوف و جریان عقلی	۹۳

- ۳-۱-۱. نقد جریان تصوف بر عقل یونانی ۹۳
- ۳-۱-۲. شکل گیری تصوف توأم با حکمت ۹۴
- ۳-۱-۳. نزدیکی جریان تصوف و فلسفه در میان حکمای باطنی ۹۵
- ۳-۱-۴. نزدیکی جریان فلسفی (مشائی) به جریان تصوف ۹۷
- ۳-۱-۵. تلفیق جریان عقلی، کشفی و شرعی ۹۸
- ۳-۲. درباره معرفت شناسی عرفانی ۹۸
- ۳-۲-۱. علم حصولی و علم حضوری در تمدن اسلامی ۹۸
- ۳-۲-۱-۱. ارزش معرفت شناسی شهودی در میان عرفای نامی ایران ۹۹
- ۳-۲-۲-۱. معرفت شناسی تلفیقی در تمدن اسلامی ۱۰۱
۴. جایگاه ابن عربی در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی ۱۰۲
- ۴-۱. جریان های متأثر از مکتب ابن عربی ۱۰۳
- ۴-۱-۱. شارحین عرفان نظری ابن عربی ۱۰۳
- ۴-۱-۲. ابن عربی و جریان شعر صوفیانه ۱۰۴
- ۴-۱-۳. تأثیر ابن عربی بر حکمای شیعه ۱۰۵
- ۴-۲. نظریه وحدت وجود ابن عربی ۱۰۵
۵. جایگاه ابوحامد غزالی در عالم اسلامی ۱۰۶
- ۵-۱. نقش غزالی در مشروعیت بخشی به تصوف ۱۰۶
- ۵-۲. تأثیر اندیشه های غزالی بر پسینیان خود ۱۰۷
- ۵-۳. غزالی و خردورزی در اندیشه او ۱۰۸
۶. تأثیر جریان عرفانی در پایگیری مکتب تفسیر اشاری ۱۰۹
۷. جریان تصوف و نظام خانقاهی ۱۱۳
- ۷-۱. نظام خانقاه به مثابه نهاد تعلیم و تربیت جریان تصوف ۱۱۳
- ۷-۲. دستگیری محرومان در نهاد خانقاه ۱۱۴
- ۷-۳. ابوسعید ابوالخیر و نظام مندی خانقاه ۱۱۴
- ۷-۴. گسترش خانقاه ها به عنوان نهاد اجتماعی جریان تصوف ۱۱۵
- ۷-۵. افول تصوف خانقاهی در عصر صفوی ۱۱۶

۸. پیوند جریان فتوت (جوانمردی) و تصوف در زمینه‌های معنوی و اجتماعی..... ۱۱۸.
- ۸-۱. ویژگی‌های اهل فتوت..... ۱۱۹.
- ۸-۲. پیوند جریان فتوت و خلافت..... ۱۲۰.
- ۸-۳. پیوند جریان فتوت و تشیع..... ۱۲۱.
۹. رابطه اهل تصوف و حکومت..... ۱۲۲.
۱۰. صوفیه و نهضت‌های اجتماعی..... ۱۲۵.
۱۱. تأملی در تصوف خراسان..... ۱۲۵.
- ۱۱-۱. خراسان، مهد تصوف..... ۱۲۵.
- ۱۱-۲. کرامیه و نفوذ فرهنگی و سیاسی آنان..... ۱۲۷.
- ۱۱-۳. تفاوت تصوف خراسانی و تصوف ابن عربی..... ۱۲۸.
- ۱۱-۳-۱. شطح گویی عارفان خراسانی..... ۱۲۹.
- ۱۱-۳-۱-۱. تعاریف شطح در لسان اهل تصوف..... ۱۲۹.
- ۱۱-۳-۱-۲. شطح به مثابه ابزار برای طرح مسائل ورای طور عقل..... ۱۳۰.
- ۱۱-۳-۲. انسان دوستی در تصوف خراسان..... ۱۳۱.
۱۲. تأثیر جریان تصوف و عرفان بر شکوفایی ادب فارسی..... ۱۳۱.
- ۱۲-۱. آمیختگی هنر شعری و مفاهیم عرفانی..... ۱۳۲.
- ۱۲-۲. شعر عرفانی به مثابه هنری مضاعف..... ۱۳۳.
- ۱۲-۳. سنایی، عطار و مولوی به عنوان نقاط عطف شعر عرفانی فارسی..... ۱۳۳.
- ۱۲-۳-۱. ویژگی‌های شعر سنایی..... ۱۳۳.
- ۱۲-۳-۲. درباره عطار و برجستگی‌های اندیشه و شعر او..... ۱۳۵.
- ۱۲-۳-۲-۱. غزلیات عطار و تکامل غزل عرفانی فارسی..... ۱۳۶.
- ۱۲-۳-۳. جلال الدین رومی به عنوان نقطه اوج شعر عرفانی..... ۱۳۷.
- ۱۲-۳-۳-۱. جلال الدین رومی و طرح اندیشه متعالی درباره خداوند، انسان و جهان..... ۱۳۸.
- ۱۲-۳-۳-۱-۱. اندیشه مولانا نسبت به جهان..... ۱۳۹.
- ۱۲-۳-۳-۲. اندیشه مولانا درباره انسان..... ۱۳۹.
- ۱۲-۳-۳-۳. آزادی و اختیار انسان..... ۱۴۰.

- ۱۲-۳-۳-۱-۴. عشق به مثابه عامل حرکت هستی ۱۴۰
- ۱۲-۴. حافظ و طریقت رندی ۱۴۱
- ۱۲-۵. سعدی و جریان عرفانی ۱۴۲
۱۳. جایگاه متعالی انسان در ساحت اندیشه عرفانی ۱۴۲
۱۴. جریان عرفانی و هنر اسلامی ۱۴۴
- ۱۴-۱. هنر اسلامی تجلی وحدت اسلامی ۱۴۴
- ۱۴-۲. هنر سنتی و قدسی در اسلام ۱۴۵
- ۱۴-۲-۱. معماری و خوش نویسی به مثابه هنر قدسی اسلام ۱۴۶
- ۱۴-۲-۲. خوشنویسی شریفترین هنر بصری اسلامی ۱۴۶
- ۱۴-۳. تأثیر تصوف بر صنایع اسلامی از طریق پیوند با اصناف ۱۴۸
- ۱۴-۴. نقش تصوف در عرصه هنر موسیقایی ایران ۱۴۸
- رویکرد چهارم: جریان عرفانی در پیوند با تشیع ۱۵۲
- مقدمه ۱۵۲
۱. پیوندهای معنوی تصوف و تشیع ۱۵۳
- ۱-۱. تشیع و تصوف به مثابه حقایق معنوی اسلام ۱۵۳
- ۱-۲. مقوله ولایت در عرفان و تشیع ۱۵۳
- ۱-۲-۱. ولایت و حکمت معنوی تشیع ۱۵۵
- ۱-۲-۲. اندیشه انسان کامل در عرفان ۱۵۶
- ۱-۳. یادکردهای ائمه در متون متصوفه ۱۵۷
- ۱-۴. نزدیکی مشایخ صوفی در اندیشه امامت به تشیع ۱۶۱
- ۱-۵. سید حیدر آملی در دوره انتقال عرفان شیعی ۱۶۴
- ۱-۵-۱. ادغام اندیشه ابن عربی در اندیشه شیعی ۱۶۴
- ۱-۵-۲. مقام ائمه از منظر عرفان شیعی ۱۶۵
۲. گسترش جایگاه و نفوذ تصوف و تشیع در ایران ۱۶۷
- ۲-۱. حمایت‌های حکومتی از جریان تصوف و تشیع در سده‌های هفتم به بعد ۱۶۸
- ۲-۲. سیطره مکتب عرفانی ابن عربی ۱۶۹

۳- نهضت‌های صوفیانه	۱۷۰
۳-۱. نهضت سریداران	۱۷۰
۳-۲. نهضت حروفیه	۱۷۰
۳-۳. نهضت مشعشعیه	۱۷۱
۳-۴. نهضت صفوی	۱۷۱
۴. تأثیرات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی صفویه در ساحت تمدن اسلامی	۱۷۲
۴-۱. زمینه‌های قرابت صفویه و اندیشه شیعی	۱۷۲
۴-۲. ارکان قدرت شاهان صفوی	۱۷۲
۴-۳. شکل‌گیری هویت جدید ایران	۱۷۳
۴-۴. وحدت ساختاری در عصر صفوی	۱۷۴
۴-۵. حکومت صفوی بزرگترین حکومت ایرانی پس از اسلام	۱۷۴
۴-۶. رسمیت یافتن تشیع	۱۷۴
۴-۷. استقلال و وحدت سرزمینی در ایران عصر صفوی	۱۷۵
۴-۸. شکوفایی همه‌جانبه در عصر صفوی	۱۷۶
۴-۸-۱. رونق و آبادانی در عهد شاه عباس اول	۱۷۷
۴-۹. افول تصوف خانقاهی و غلبه عالمان شیعی	۱۷۹
۴-۱۰. تداوم وجه معنوی و نظری جریان تصوف	۱۸۰
۵. ملاصدرا و پایگیری مکتب حکمت متعالیه	۱۸۱
۵-۱. تلفیق آراء حکمی و عرفانی در معرفت‌شناسی صدرایی	۱۸۲
۵-۲. یادکردهای ملاصدرا از عرفای بنام	۱۸۳
۵-۲-۱. تأثیر ابن عربی بر اندیشه ملاصدرا	۱۸۳
۵-۳. قرآن و روایات به مثابه سرچشمه‌های حکمت در اندیشه ملاصدرا	۱۸۴
۵-۴. نقد ملاصدرا بر صوفیان عصر	۱۸۴
۵-۶. تداوم جریان عرفان نظری شیعی	۱۸۵
فصل پنجم: بحث، تفسیر و استنتاج	۱۸۷
۱. تصوف به مثابه جوهره تمدن اسلامی	۱۸۸

۲. درباره رویکرد تصوف به مثابه عامل زوال تمدن اسلامی..... ۱۹۲
۳. درباره تصوف به مثابه وجه درخشان تمدن اسلامی..... ۱۹۹
۴. درباره عرفان شیعی..... ۲۰۷
- کتابنامه..... ۲۱۴

پیشگفتار

رساله حاضر در پنج فصل سامان یافته است. در فصل اول به طرح کلیات پرداخته شده است که در آن بیان مساله پژوهش، ضرورت، اهداف، سوالات اصلی و... ذکر شده است. در بخش دیگر کلیات به مفهوم تصوف و عرفان و نیز تاریخچه از رند شکل گیری و تحولات جریان عرفانی پرداخته شده است. فصل دوم به روش شناسی پژوهش اختصاص یافته است و منظر تمدنی که مد نظر نویسنده است تا حد ممکن بسط یافته است. در ادامه تعاریفی که تمدن پژوها نیز مد نظر داشته اند مورد توجه قرار گرفته و تمدن اسلامی و دوران درخشان آن نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل سوم پیشینه پژوهش ذکر شده است. با توجه به این مساله که پدیده تصوف در نگاه مشهور امری درونی و فردی تلقی شده است و نیز با طرح کلیاتی این جریان را از جمله علل انحطاط تلقی نموده اند به آثار جدی و مهم درباره نقش تمدنی آن توجه کمتری شده و نیز این آثار از فراوانی کمتری برخوردارند.

در فصل چهارم رساله به مباحث اصلی و اساسی رساله پرداخته شده و ذیل چهار رویکرد به طرح مساله اقدام شده است.

در رویکرد اول گونه‌ای جریان فکری در غرب در مطالعات حوزه اسلام به تصوف و عرفان معرفی شده است که به رغم دیگر پژوهش‌ها که ساخت و بن مایه‌های تمدن را به فلسفه، کلام و یا فقه منسوب می‌دارند، اساس و جوهر تمدن اسلامی را تصوف و عرفان و به تعبیر دیگر وجه باطنی اسلام می‌داند. از این منظر روح اسلام در تصوف و عرفان و قرائت باطنی اسلام متجلی شده است. بنابراین شناخت اسلام در گرو شناخت تصوف و عرفان و شناخت تمدن اسلامی با شناخت این جریان ممکن است.

در رویکرد دوم و منتقد جران تصوف و عرفان اسلامی از چند جهت مورد نقد قرار گرفته است. مهمترین وجه مورد انتقاد آن است که جریان عرفانی معارض جریان عقلگرا و خردورز دانسته شده است. از اینرو جریانی عرفانی از مسببین خاموشی خردورزی در تاریخ سده‌های گذشته اسلامی قلمداد شده است. در این نوع نگاه طیفی از روشنفکران عقلگرای متجدد و نیز اندیشمندان عقلگرای اسلامی هم نظرند. این رویکرد جریان تصوف و عرفان را از مشکلات دوران اسلامی می‌داند اندیشه، ماهیت و بنیادهای معرفت شناختی جریان عرفانی در کیفیت زندگی اثرگذار بوده و تأثیر نهایی آن در جهت زوال اندیشه ورزی، اندیشه‌های سیاسی و تمدنی بوده است.

در رویکرد سوم جریان تصوف و عرفان از وجوه درخشان تمدن اسلامی دانسته شده است. در این نگاه جریان عرفانی بر بسیاری از ساحات نظری و فکری و نیز ساحات فرهنگی و اجتماعی عالم اسلام تأثیر گذارد و در حدود سرزمینی ایران درخشان ترین آثار خود را برجای نهاد. در این طرح به

معرفت شناسی عرفانی و نسبت این جریان با کوشش های عقلی عالم اسلام و جریان های عقلی پرداخته شده و اینکه چگونه بر یکدیگر تأثیر گذاردند. طرح شخصیت هایی چون غزالی، ابن عربی و مولوی نیز به دلیل اهمیت و جایگاه آنان در تاریخ تصوف مورد توجه قرار گرفته است.

در رویکرد چهارم به عرفان شیعی پرداخته شده است. عرفان شیعی را می توان جریانی از جریان کلی عرفان و تصوف دانست که بواسطه ویژگی های خاص خود تاکنون ممتاز مانده است. به دلیل اهمیت و اثرگذاری ویژه ای که عصر صفوی در پیوند با تشیع بر تاریخ ایران در سده های دهم تا دوازدهم هجری و نیز پس از آن گذارده است به طرح جداگانه این رویکرد پرداخته شده است. پیوند میان تصوف و تشیع و قرابتی که در این میان شکل گرفته است و تأثیر و تاثرات متقابل توانست در شکل گیری نهضت صفوی و تحولات پسین آن اثرگذار بود. عصر صفوی با ایجاد وحدت سرزمینی، رسمی کردن مذهب تشیع، نیز تامین نیازهای مادی و نیز قرائت ویژه خود از حکومت توانست دوره ای شاخص از تاریخ ایران اسلامی را رقم زند.

در فصل پنج به بحث و نتیجه گیری نسبت به رویکردهای مطرح پرداخته شده است و از این رو می توان بیان داشت که جریان تصوف و عرفان را می توان از عواملی دانست که در شکل گیری افق جدید در معرفت شناسی عالم اسلامی نقشی مهم ایفا نمود و در ادامه با شکل دهی به یک نظام سیاسی در سده های دهم تا دوازدهم منشا تحولات مهم و عمیقی در تاریخ ایران اسلامی شد.

فصل اول: کلیات

۱. مساله پژوهش

تاریخ اسلام در دوره‌هایی با شکوفایی علم، فرهنگ و تمدن مواجه است و بر طبق اقوالی سده های سوم تا پنجم و یا سوم تا هفتم هجری را دوران درخشان تمدن اسلامی می‌دانند. این درخشانی از سده هفتم به بعد به دلایلی رو به افول نهاد و البته بعدتر و در دوره‌هایی چون عصر صفوی جلوه‌هایی از درخشانی علوم و فرهنگ تابیدن گرفت. تمدن، پدیده در تنیده‌ای از رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنر و ادبیات یک جامعه است و بر مبنای نبوغ برخی از نخبگان جامعه شکل می‌گیرد، و جامعه در یک سیر تحولی به سمت وضعیت برتر پیش می‌رود. در تکوین، شکل‌گیری و یا افول و زوال یک تمدن که خود مجموعه‌ای پیچیده و در هم تنیده است، جریان‌های متنوعی می‌توانند نقش ایفا می‌کنند و در عالم اسلام با جریان‌های متنوع اسلامی چون فقه، کلام، حدیث، فلسفه و «تصوف و عرفان» هر یک نقشی ویژه بر عهده داشته‌اند. جریان تصوف و عرفان اسلامی یکی از جریان‌های فرهنگی تاثیرگذار بر تحولات تمدن اسلامی است. این جریان به نوبه خود و با طرح گونه‌ای از معرفت‌شناسی، در فرایند شکل‌گیری اندیشه‌های اسلامی و تحولات اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بررسی و پرداختن به این جریان می‌تواند دریچه‌ای برای فهم ابعاد دیگر تمدن اسلامی نیز قلمداد شود. چه اگر این جریان به درستی مورد ارزیابی قرار گیرد می‌تواند نقش خود را در کنار سایر جریان‌های اسلامی فقه، حدیث، کلام و فلسفه بازنماید.

جریان تصوف و عرفان، دارای دو بعد اجتماعی و فرهنگی است چرا که عرفا، علاوه بر بنیان نهادن مجموعه‌ای از معارف که نام عرفان نظری به خود گرفت، طبقه‌ای اجتماعی با ویژگی‌های خاص را نیز بنا نهادند که آداب و سلوک ویژه‌ای، آنان را از دیگر طبقات اسلامی متمایز می‌کند. در ارزیابی این جریان اسلامی می‌توان طیفی از نظرات و اندیشه‌ها را بازشناخت که در نوع و میزان

اثرگذاری عرفان و تصوف دارای اختلافند. در این میان، دو منظر کلان موافقان و مخالفان این جریان با طرح آراء و نظرات خود به تحلیل و نقد آثار این جریان پرداخته اند. آراء طرح شده پیرامون این جریان، برخی رویکردها را نسبت به یکدیگر متمایز می کند که در روش شناسی، ادله های طرح شده و نتایج حاصل از آن با یکدیگر متفاوتند.

رویکرد منتقد معتقد است جریان عرفانی توانست دایره نفوذ خود را به صورت پررنگی در ایران و جهان اسلام بگستراند. این جریان، گونه ای از جهان بینی ارائه نمود که بروز و تجلیات آن در ساحات مختلف حیات دینی و اجتماعی مسلمانان موجب تعطیلی عقل و خردورزی و شکل گیری هویتی مشوش برای ایرانیان گردید که نتیجه آن زوال و عقبگرد جامعه اسلامی از مسیر رشد و باورشدن فرهنگی و علمی خود شد. در مقابل نگاه مخالف و منتقد، موافقان این جریان با طرح آرائی به دفاع از آن برخاسته اند و در طرح و ارائه ادله خود با یکدیگر تمایز دارند. برخی معتقدند، جریان عرفانی سهم قابل توجهی در شکوفایی فکری و فرهنگی ایران دوران اسلامی بر عهده داشت و نمی توان تأثیرات آن را بر ساحات مختلف حیات فکری و اجتماعی مسلمانان نادیده گرفت. برخی جوهره تمدن اسلامی را جریان عرفان و تصوف اسلامی دانسته و میراث اصیل اسلامی را از میان همه علوم و معارف اسلامی میراث عرفانی می دانند که از سرچشمه های اسلامی منشعب شده است. در واقع آنچه موجبات رشد و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم آورد این حوزه از تعالیم اسلامی است. در دوره ای از تاریخ ایران طی سده های دهم تا دوازدهم، جریان عرفانی توسط صوفیان صفوی توانست حکومتی را بنیان نهد که ایران را به دوران درخشان گذشته خود نزدیک نمود و تحولات عمیقی را در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوجود آورد که به نحوی در شکل گیری ایران دوره جدید نیز تأثیری جدی برجای نهاد.

در این پژوهش آراء، نظرات و دیدگاه های مختلف اندیشمندان در این باره مطرح می شود و از خلال آن رویکردهای اساسی نسبت به جریان عرفان و تصوف استخراج شود. طرح این رویکردها در کنار یکدیگر شاید بتواند گامی در جهت نقد و طرح منصفانه تر از این مساله به دست دهد.

برخی نویسندگان و اندیشمندان در خلال آثار خود جریان تصوف و عرفان و نقش آن را مورد توجه قرار داده اند و با نگاه های مختلف به آن نگریسته اند. برخی از تقابل این جریان با عقلانیت و خردورزی و نیز دنیاگریزی و انعزال از خلق و گاه تقابل با آموزه های دینی سخن رانده اند که از جمله می توان به آثار سید جواد طباطبایی، عبدالکریم سروش، عابد الجابری و دیگران اشاره نمود؛ برخی اندیشمندان نیز در خلال آثارشان می توان به نقش اساسی و سازنده تصوف اشاره داشته اند که

می‌توان از سید حسین نصر، عبدالحسین زرینکوب، نصرالله پورجوادی، شفیعی کدکنی و نیز برخی محققین غربی چون هنری کربن، چیتیک، ماسینیون، شیمل و دیگران یاد کرد.

سید جواد طباطبایی در برخی آثار خود از جمله (درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و زوال اندیشه سیاسی در ایران) معتقد است اندیشه عرفانی به تدریج سایه بلند و سنگین خود را بر اندیشه ایرانی گستراند و هرگونه فکر منطقی و تعقل را از اندیشه بیرون راند. یکی از اثرات سیطره اندیشه عرفانی در تاریخ اندیشه ایران، زوال تدریجی اندیشه سیاسی بوده است و بر همین مبنا می‌توان از امتناع تأسیس اندیشه سیاسی بر مبنای اندیشه عرفانی سخن گفت.

عابد الجابری در برخی آثار خود از جمله نقد العقل العربی ۴ : العقل الاخلاقی العربی و جدال کلام، عرفان و فلسفه به تأثیر عرفان در کلام و عقل کلامی عرب پرداخته است.

آیت الله مطهری در برخی آثار خود از جمله (خدمات متقابل اسلام و ایران، تعلیم و تربیت در اسلام، عرفان، و انسان کامل) از منظری دیگر و با نگاهی دینی و فلسفی به تقابل اندیشه‌های عرفانی و عقل گرایی اشاره دارد. مطهری با طرح مسائلی چون ارزش عقل و عشق، مساله انسان کامل و درون گرایی و برون‌گرایی در اندیشه عرفانی به طرح و نقد اندیشه‌های عرفانی می‌پردازد.

هانری کربن اسلام شناس فرانسوی درباره عرفان اسلامی و بویژه عرفانی شیعی پژوهش‌های وافر را سامان داد. او برخی آثار عرفانی فلسفی چون آثار سهروردی و نیز برخی آثار سید حیدر آملی را تصحیح و چاپ نمود.

سید حسین نصر در بسیاری از آثار خود به موضوع تصوف و عرفان پرداخته و آن را مهم‌ترین تبلورِ ساحتِ درونی وحی اسلامی می‌داند. عبدالحسین زرین‌کوب در چندین اثر به بحث درباره تاریخ تصوف و نیز ماهیت جریان‌های صوفیانه پرداخته است. جدی ترین آثار وی در این زمینه جستجو در تصوف ایران و دنباله جستجو در تصوف ایران است. آثار دیگر وی مانند ارزش میراث صوفیه و تصوف ایرانی نیز تکمیل کننده دیدگاه‌های وی درباره جریان تصوف در ایران است.

شفیعی کدکنی بیشتر پژوهش‌های خود را پیرامون تصوف خراسانی و آثار عطار نیشابوری منتشر کرده و به دلیل ارتباط خاص جریان صوفیانه و حوزه ادبیات به این حوزه توجه نموده است. برخی از آثار عرفانی به همت او تصحیح و به چاپ رسیده است. از این میان می‌توان به کتاب اسرار التوحید، چشیدن طعم وقت، و حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر هر سه در احوال و اقوال ابوسعید ابوالخیر و نیز آثاری چون نوشته بر دریا مجموعه اقوال و میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی و... اشاره نمود.

۲. موضوع پژوهش

موضوع پژوهش حاضر در آنچه با عنوان مساله پژوهش گذشت گنجانده شده است.

۳. قلمرو پژوهش

قلمرو مکانی: سرزمین ایران در دوره اسلامی

قلمرو زمانی: از ظهور اسلام تا پایان عصر صفوی

قلمرو موضوعی: حوزه عرفان و تصوف

۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

ضرورت پژوهش در باب تصوف و عرفان و نیز نقش آن در تمدن اسلامی به دلیل ضرورت و اهمیت خود مساله عرفان است. عرفان را اگر مهمترین ساحت باطنی اسلام بدانیم نمی‌توان از اهمیت آن و نقش بی بدیلش در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی که همچنان نیز تداوم یافته، چشم پوشی نمود و اگر به مساله تمدن اسلامی توجه نمود باید گفت که در ساحت تمدنی و با یک نگاه کلان می‌توان تاریخ یک قوم، کشور و یا ملت را به گونه‌ای تحلیل نمود که کاستی‌ها و نقاط قوت آن فرهنگ و تمدن فراچنگ آید و از این رهگذر می‌توان پیش بینی‌ها و طراحی‌هایی در باب آینده یک جامعه را رقم زد. از این منظر انقلاب اسلامی با تکیه بر مبانی ویژه خویش داعیه حرکت به سمت تمدنی نوین را دارد و عرفان نیز به عنوان وجه یا ساحت باطنی انقلاب اسلامی پدیده‌ای مهم تلقی می‌شود.

در میان پژوهش‌های صورت گرفته، عمدتاً به معرفی عارفان نامی و ارائه شرح حال و تاریخچه زندگی آنان در هر عصر توجه شده است. با توجه به نظراتی که در این باب وجود دارد و اینکه این نظرات متفاوت و متعارض از یکدیگرند، ضروری است با طرح رویکردهای طرح شده در کنار یکدیگر و تبیین چرایی این مساله و اختلاف دیدگاه‌ها، تحلیلی مبتنی بر واقعیات تاریخی رخ نموده نیز ارائه شود و از این رو گامی در جهت وضوح بیشتر این مساله برداشته شود. هر چند موضوع این پژوهش نقش جریان عرفانی را تا پایان عصر صفوی پیجویی می‌کند مساله تمدن نوین اسلامی و نقش عرفان و اندیشه‌های عرفانی در آینده جهان اسلام بر اهمیت این موضوع می‌افزاید. چه اگر نقش این جریان در گذشته وضوح بیشتری یابد در افق اندیشگی تمدن آینده اسلامی نیز می‌توان با تکیه بر عرفان به عنوان وجهی از معرفت دینی گشودگی حاصل نمود.

۵. اهداف پژوهش

پژوهش حاضر اهدافی چند را مطمح نظر قرار داده است:

۱. اهتمام این پژوهش بر طرح رویکردهایی است که به رابطه میان جریان عرفانی و تمدن اسلامی پرداخته اند. از رهگذر طرح این مساله و طرح این رویکردها در کنار یکدیگر آراء مختلف و گاه متضادی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد و شرایط برای قضاوتی دقیقتر در این میان فراهم می‌آید. اینکه درباره پدیده یا جریانی این میزان از تفاوت رای وجود دارد حاکی از آن است که پیش‌فرض‌های هر یک از رویکردها در مواجهه با مساله به نحو قابل توجهی متفاوت است و از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که در برخی رویکردها از امر جزئی نتایج کلی حاصل شده و در صدد تعمیم این دیدگاه نسبت به گستره جریان عرفانی است. از این رو طرح هر یک از رویکردها که گاه طرح یکی در عمل، نقد رویکردهای دیگر را در پی دارد در کنار یکدیگر از اهداف مهم رساله است. یکی از اهداف این پژوهش برداشتن گامی در جهت تبیین یا تحلیل از نقش و جایگاه جریان تصوف و عرفان در فراز و فرود تمدنی ایران اسلامی است.

۲. بررسی جریان تصوف و عرفان، نقش آن در تمدن اسلامی و نسبت آن با سایر جریانات اسلامی می‌تواند وضع گذشته تمدن اسلامی را نمایان کند و تنها با مطالعه در گذشته و تکیه بر آن می‌توان به آینده با نگاه عمیقتری توجه نمود و پایه‌ها و ارکانی که تمدن اسلامی می‌تواند بر مبنای آن شکل بگیرد تا حدودی آشکار نمود. به این ترتیب با بازجستن میراث گذشته و تلاش در احیای هویت اسلامی ایرانی، امکان فهم هویت فعلی جامعه ایرانی بهتر فراهم می‌شود. قلمروی زمانی این پژوهش تا پایان عصر صفوی را شامل است و این بدان دلیل است که داوری درباره تاریخ تحولات جریان عرفانی بدون در نظر گرفتن عصر صفوی که در آن صوفیان به قدرت سیاسی دست یافتند، کامل نیست.

۳. وضع کنونی عالم معاصر، و تحولات دهه‌های اخیر مانند انقلاب اسلامی و تحولات رخ نموده در کشورهای اسلامی و عربی طی سال‌های اخیر نشان از خواست و اراده ای است که عالم اسلامی در نسبت با وضعیت فعلی خود برای تغییر شرایط خود صورت می‌دهد. سودای احیای دوران درخشان اسلام که می‌توان آن را «تمدن نوین اسلامی» نام نهاد چندی است که در محافل علمی و اسلامی مطرح شده و شاید بتوان حرکت های پیشروی کشورهای اسلامی را در این چارچوب ارزیابی نمود. بررسی جریان های گذشته اسلامی برای شناخت وضعیت معاصر آن و نیز ریشه های فکری و فرهنگی مرتبط با آن، ضروری می نماید.